

پیوند عرفان و پایداری در اشعار حسین اسرافیلی

حسن یزدانی^۱، آرش مشفق^۲، سید فضل الله رضوی پور^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: moshfeghi.arash@iau.ac.ir

چکیده

یکی از عناصر برجسته در ساختار شعر و ادب فارسی، عرفان است که می‌توان از آن به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر ادبیات فارسی، بویژه ادبیات منظوم یاد کرد. که در اغلب دوره‌های ادبیات فارسی حضور داشته است و رد پای آن تا شعر و ادب معاصر نیز کشیده شده است به نحوی که نمودهای آن را در آثار امروز نیز می‌توان مشاهده کرد. مضامین عرفانی بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، به شکلی پررنگ تر در ذهن و اندیشه شاعران و نویسندگان رسوخ یافت. یکی از شاعرانی که شعرش رنگ و بوی عرفانی یافته، حسین اسرافیلی است که توانسته است شعر خود را، که اغلب دارای مضامین مقاومت و پایداری است، با عناصر و نمادهای عارفانه، عجین نماید و جلوه‌ای زیبا و متعالی در حوزه مضمون به وجود آورد. اسرافیلی که نماینده تمام عیار شعر دفاع مقدس محسوب می‌شود، شعرش را در خدمت آرمانهای انقلاب و بیان حماسه‌ها، رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های سربازان وطن قرار داده است و بسیاری از مضامین انقلاب، دفاع مقدس، مبارزه، پایداری و... را با عناصر و مضامین عرفانی همچون: شهادت، عشق، طلب، شوق، امید، ایثار، صبر، مستی و جنون و... ممزوج نموده و از این رهگذر پیوندی زیبا میان تعالیم عرفانی و عناصر ادبیات پایداری ایجاد کرده است. این مقاله به تبیین عناصر عرفانی حاضر در اشعار پایداری حسین اسرافیلی می‌پردازد.

کلیدواژگان: حسین اسرافیلی، عرفان، ادبیات پایداری، ادبیات معاصر، شعر معاصر.



شیوه استناددهی: یزدانی، حسن، مشفق، آرش، و رضوی پور، سید فضل الله. (۱۴۰۵). پیوند عرفان و پایداری در اشعار حسین اسرافیلی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۲)، ۱-۱۷.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

The Interconnection of Mysticism and Resistance in the Poetry of Hossein Esrafil

Hasan Yazdani¹, Arash Moshfeghi^{2*}, Seyed Fazlollah Razavipour²

1. PhD Students, Department of Persian Language and Literature, Bon.C., Islamic Azad University, Bonab, Iran

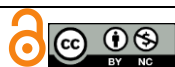
2. Department of Persian Language and Literature, Bon.C., Islamic Azad University, Bonab, Iran

*Corresponding Author's Email: moshfeghi.arash@iau.ac.ir

Abstract

One of the prominent elements in the structure of Persian poetry and literature is mysticism, which can be regarded as an inseparable component of Persian literary tradition, particularly in poetic literature. It has been present throughout most periods of Persian literature, and its traces extend into contemporary poetry and literary works, such that its manifestations can still be observed in modern texts. Mystical themes, especially following the victory of the Islamic Revolution in 1979 and the Iran–Iraq War (1980–1988), penetrated more deeply into the minds and thoughts of poets and writers. One of the poets whose work has acquired a mystical tone is Hossein Esrafil, who has successfully integrated his poetry—often characterized by themes of resistance and perseverance—with mystical elements and symbols, thereby creating an elevated and aesthetically refined thematic dimension. Esrafil, who is considered a representative figure of Sacred Defense poetry, has employed his poetry in service of the ideals of the Revolution and in articulating the epics, bravery, and self-sacrifice of national soldiers. He has merged many themes such as the Revolution, the Sacred Defense, struggle, and resistance with mystical motifs including martyrdom, love, quest, longing, hope, altruism, patience, ecstasy, and spiritual madness. Through this synthesis, he has established a profound and aesthetically compelling connection between mystical teachings and the elements of resistance literature. This article aims to explicate the mystical components present in the resistance-oriented poetry of Hossein Esrafil.

Keywords: Hossein Esrafil, Mysticism, Resistance Literature, Contemporary Literature, Contemporary Poetry.



How to cite: Yazdani, H., Moshfeghi, A., & Razavipour, S. F. (2026). The Interconnection of Mysticism and Resistance in the Poetry of Hossein Esrafil. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(2), 1-17.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 24 April 2026

Accept Date: 02 May 2026

Publish Date: 22 June 2026

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین درون‌مایه‌هایی که در سده‌های گوناگون در عرصه شعر و ادب فارسی ایران تجلی یافته، عرفان است؛ به گونه‌ای که باید گفت یکی از مضامین بارز در ادبیات فارسی، عرفان و مبانی فکری و زیرشاخه‌های معنایی آن است؛ مضمونی که نگرش و بینش شاعران را به سراپرده‌های معنا می‌کشاند و آنان را با نگاه معرفت‌آموز به اشراق درونی و لطافت باطنی سوق می‌دهد. عرفان از دیرباز، میان شاعران این مرزوبوم جلوه‌ای خاص داشته است و آنها با بهره‌گیری از افکار ناب عرفانی، اشعاری زیبا و دلنشین سروده‌اند. می‌توان گفت یکی از آبخورها و مبانی فکری که تأثیر آن بر ادبیات فارسی، چه در حوزه نظم و چه در عرصه نثر، مبرهن است، عرفان می‌باشد. از سوی دیگر، ادب پایداری یکی از شاخه‌های مورد توجه در ادبیات فارسی است که در قرون مختلف به‌عنوان یکی از مضامین برجسته در شعر و نثر فارسی حضور داشته است. این گونه از ادبیات، که معادلی برای «ادب المقاومه» است، شعری هدفمند و متعهد است که بیش از شاعر به مخاطبانش تعلق می‌یابد (1). این نوع شعر، افزون بر خاصیت ادبی و زیبایی‌شناختی، ماهیت تبلیغی و تهییجی دارد و مبتنی بر الزام‌های تاریخی و سیاسی آفریده می‌شود؛ بدین واسطه، در مقایسه با دیگر انواع شعر، اهمیت بیرونی افزون‌تری دارد و به تعبیری «دیگرخواه» است و «از ذهن‌های تحریک‌شده می‌تراود» (2). شعر پایداری با تلفیق خاصی از عاطفه و واقعیت، تکوین می‌یابد. این نوع شعر، غالباً در جهت نظام‌بخشیدن به جریان و حرکتی جمعی شکل می‌گیرد؛ حرکت و جریانی که در جهت ایجاد تغییر و تحولی نظام می‌یابد و بناست دستاوردهای تازه‌ای برای مخاطبانش داشته و انگیزه‌ای برای مبارزه و ایستادگی در مخاطبان به وجود آورد. «هدف نهایی شعر پایداری، نه فقط حفظ هنری، بلکه ایجاد انگیزه برای شکست‌دادن دشمنی مشترک بوده که وجودش تهدیدی برای امنیت، آزادی و حرمت مخاطبان است. در این راستا، نیازمند

افشاگری و تلاش در جهت آگاهی‌بخشی است. از این روی، به افشای پلیدی و نقش مخرب دشمن و مدعیان می‌پردازد؛ چهره‌ای منفور از دشمنان نشان می‌دهد و هرگونه ترس، تردید، اضطراب و انفعال را نکوهش می‌کند. دعوت به مقابله با دشمن و ستایش همت و ایستادگی مبارزان، بخشی از محتوای شعر پایداری را شکل می‌دهد و نوید پیروزی و رهایی و امیدبخشی به مخاطبان و... بعد دیگری از آن است» (3). ادبیات پایداری و شعر مقاومت همچون دیگر گونه‌های ادبی، در ادبیات فارسی سابقه‌ای بس طولانی و ارزشمند دارد و می‌توان گفت که سابقه ادبیات پایداری با سابقه ادبیات فارسی برابری می‌کند. «ادبیات پایداری چه در حوزه دشمنان داخلی و چه در حوزه خارجی، در تاریخ ادبیات فارسی، پیشینه‌ای طولانی دارد و جریان‌ها، شیوه‌ها و نمونه‌های متعددی از حضور آن را در ادوار مختلف شعر فارسی می‌توان ارائه داد» (4). همان‌گونه که گفته شد، دو مقوله اساسی و قابل توجه در ادبیات فارسی، عرفان و پایداری است؛ از یک سو، شعر و ادب مقاومت از دیرباز در ادبیات فارسی حضور داشته است و در برهه‌های مختلف، نویسندگان و شاعران به بیان مضامین پایداری اهتمام داشته‌اند. اما در دوره مشروطه و پس از آن، این نوع ادبیات جایگاه ویژه‌ای یافت و به‌عنوان ابزاری برای ارتباط با جامعه و همراه‌ساختن مردم با اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی مطرح شد. در این میان، نقش نیما و پیروان او، در باروری اندیشه‌های مردم‌مثمرتر از بقیه شاعران بود. «آزادی‌خواهی و رهایی‌طلبی از درون‌مایه‌های اشعار سده اخیر است که به‌خصوص با در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری آنها، شایسته تأمل بیشتری است. نقش شاعران در ایجاد فضای آزادی‌خواهی و استبدادستیزی و ترغیب مردم به مبارزه فکری و عملی با بیداد حاکم بر اجتماع در دوران مشروطیت و پس از آن قابل چشم‌پوشی نیست» (5). ادبیات پایداری پس از مشروطه و در دوره معاصر بیش از پیش رونق یافت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بروز جنگ

تحمیلی، این نوع ادبیات پایداری در جایگاه اصلی‌ترین انواع و گونه‌های ادبی در بین شاعران و نویسندگان قرار گرفت؛ «ادبیات منظوم و منثور انقلاب اسلامی در مدتی کوتاه، با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ ش، به شعر و داستان دفاع مقدس تحویل شده، ادبیات پایداری ایران در کسوتی جدید به حیات خود ادامه می‌دهد. دوران طولانی دفاع مقدس با انعکاس فضیلت‌های انسانی در گفتار و رفتار و اندیشه رزمندگان همراه است. فضیلت‌هایی که با تکیه بر پشتوانه‌های فرهنگ ملی و دینی در قالب نوع‌دوستی، میهن‌خواهی، شهادت‌طلبی، ایثارگری، ستم‌ستیزی و سلوک عرفانی تجلی می‌یابد و طی هشت سال استقامت در برابر مصائب و شداید جنگ، نظیر ویرانی، آوارگی، اسارت، جانبازی، شهادت و تبعات آن، آثار و ارزش‌هایی را به یادگار می‌گذارد که پاسداری از این میراث گران‌قدر تا پایان تاریخ رسالت ابدی شاعران و نویسندگان متعهد خواهد بود و به انجام رساندن آن، چراغ ادبیات مقاومت را در این سرزمین همواره روشن نگاه خواهد داشت» (۶). از سوی دیگر، عرفان، با شعر و ادبیات فارسی، پیوندی دیرینه دارد و حضور آراء و عقاید عرفانی در عرصه شعر و ادب فارسی، تأثیری مستقیم و ویژه نهاده است. می‌توان گفت از آن زمان که زبان و ادب فارسی با عرفان پیوند خورد، آثاری ژرف و برجسته - در نظم و نثر - پدید آمد که موجب غنی‌تر شدن ادبیات فارسی، به‌ویژه از لحاظ معنا، گردید. این پیوند ناگسستنی میان ادبیات و عرفان، به‌ویژه در حوزه شعر، در دوران معاصر نیز ادامه پیدا کرد و بعضی از شاعران این عصر، با آگاهی از پیوند دیرینه شعر و عرفان، از میراث عرفان ایرانی بهره‌ها برده‌اند. «اشعار دوره معاصر، اگرچه به زعم عده‌ای، حرکتی مخالف جهت اندیشه‌های عرفانی بود، اما از آنجا که عرفان با جان و روح ملت ایران، پیوندی دیرینه دارد، می‌توان بازتاب آن را در حوزه شعر معاصر هم ملاحظه کرد» (۷). یکی از شاعران دفاع مقدس که توانسته در شعر خود بین ادبیات پایداری و شعر مقاومت با عناصر و مبانی عرفانی پیوند ایجاد

نماید، حسین اسرافیلی است؛ او نماینده دسته‌ای شاعران نوآور در عرصه دفاع مقدس است که عشق و عرفان و مقاومت را در کلام خود درهم آمیخته است. «در شعر او واژگان و مفاهیم اسلامی و واژگان و مفاهیم حماسی و پایداری در ساختاری زیبا در کنار هم به کار می‌روند و در فضای کلی شعرهای اسرافیلی، پیوند حماسه و عرفان و حماسه با تغزل را پدید می‌آورد» (۸).

لذا این مقاله به بررسی نمادها و جلوه‌های عرفان در شعر این شاعر معاصر می‌پردازد تا عناصر و مبانی عرفانی حاضر در اشعار دفاع مقدس حسین اسرافیلی را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. پرسش اصلی این جستار این است که نموده‌های عرفانی حاضر در شعر پایداری حسین اسرافیلی کدام‌اند؟ هدف تحقیق، آن است که عناصر و نمادهای عرفانی را در شعرهای پایداری این شاعر برشمارد. روش تحقیق در پژوهش حاضر، تحلیلی و توصیفی است و از شیوه کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

به‌طور کلی، درباره موضوعاتی همچون عرفان و شعر و ادبیات پایداری، آثار و کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است، اما آثار و پژوهش‌های چندانی در زمینه عرفان در شعر معاصر و به‌ویژه عرفان در ادبیات پایداری دیده نشده است. تنها نمونه‌های اندکی از پژوهش‌ها در این زمینه نگاشته شده که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مقاله «بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس» از عنایت‌الله شریف‌پور و نرگس موحدی که نویسندگان مضامین عرفانی مانند: عشق، شور و مستی، جنون، شوق، وصال به حق و برخی دیگر از این اصطلاحات را در شعر شاعرانی مانند مردانی، عبدالملکیان، اوستا، قزوه و... مورد بحث و بررسی قرار دادند.

مقاله «زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در شعر دفاع مقدس» نوشته جعفر محمدی و همکاران که در آن به برخی عناصر عرفانی

موجود در شعر قیصر امین‌پور، سلمان هراتی و ذکریا اسحاقی پرداخته شده است.

در مقاله «بن‌مایه‌های دینی و عرفانی در سطح فکری شعر آیینی» نوشته سبجانی و همکاران، از منظر فکری و آیینی به درون‌مایه‌های اشعار قزوه، هراتی و سبزواری توجه شده است.

مقاله «بررسی نمادهای عرفانی و مذهبی و تأثیرات آنها بر شعر پایداری» نوشته صدیقه رسولیان و محبوبه مباشری به بررسی نماد و نمادهای عرفانی در شعر هراتی، صفارزاده و سیدحسن حسینی پرداخته است.

در خصوص شعر و اندیشه حسین اسرافیلی پژوهش‌هایی صورت گرفته که می‌توان به این موارد اشاره نمود:

مقاله «بررسی سبکی شعر حسین اسرافیلی (مجموعه تولد در میدان)» نوشته سیدمرتضی هاشمی، غلامحسین شریفی و یوسف کرمی چمه که نویسندگان به بررسی سبکی زوایای مختلف زبانی، محتوایی، فکری و ادبی شعر حسین اسرافیلی پرداختند.

مقاله «بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس» نوشته عنایت‌الله شریف‌پور و نرگس موحدی که نویسندگان به بررسی برخی مضامین عرفانی در شعر چند شاعر معاصر همچون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، حسین اسرافیلی، حمید سبزواری، محمدرضا عبدالملکیان و نصرالله مردانی و... پرداختند.

مقاله «اثرپذیری عناصر ادبی در بیان موتیف‌های اجتماعی؛ بررسی تطبیقی اشعار احمد مطر و حسین اسرافیلی بر اساس مکتب آمریکایی» نوشته بهرام آورتین‌زاده و سیدمحمدرضی مصطفوی‌نیا که نویسندگان در این پژوهش سعی نمودند که به مهم‌ترین مضامین مطرح‌شده در زمینه پایداری در اشعار احمد مطر و حسین اسرافیلی، شاعران معاصر در کشورهای عراق و ایران، پرداخته و با استفاده از روش ادبیات تطبیقی مکتب آمریکایی، مهم‌ترین مضامین پایداری را تحلیل و توصیف نمایند.

و نمونه‌های دیگری از پژوهش‌های تطبیقی مانند: «واکاوی بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر فلسطین و ایران (مورد پژوهانه: هارون هاشم رشید و حسین اسرافیلی)» نوشته محمدتقی جهانی و زهره نورمحمد نهال، و مقاله «بررسی مقاومت فلسطین در شعر محمود درویش و حسین اسرافیلی» نوشته محمدرضا حاج‌بابایی و سجاد مرادی، و مقاله «پیوند حماسه و غزل در شعر انقلاب و دفاع مقدس با تأکید بر غزلیات حسین اسرافیلی» نوشته فاطمه ابراهیمی و عبدالله حسن‌زاده میرعلی، و مقاله «فرهنگ جهاد و شهادت در زبان استعاری شاعر انقلاب اسلامی، حسین اسرافیلی» نوشته حسین علیقلی‌زاده.

چارچوب مفهومی پژوهش

ادبیات پایداری و حسین اسرافیلی

«ادبیات پایداری با توجه به فراز و فرود تاریخ ایران، در ادبیات ما سابقه‌ای گسترده و طولانی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت ریشه‌های ادبیات پایداری در ایران به قبل از اسلام بازمی‌گردد» (6) و «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه که حیات مادی و فکری آنها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (9). اصلی‌ترین موضوعات ادبیات پایداری عبارتند از: دعوت به مبارزه، ایستادگی در برابر ستمگران، حق‌طلبی، انزجار از دشمنان، بیان بیدادگری‌ها، ستایش آزادی و آزادگی، نشان‌دادن افق روشن پیروزی، ترسیم مظلومیت مردم، بزرگداشت و ستایش مردم مبارز، وطن‌دوستی و دفاع از آن و بازتاب سلحشوری، پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی... (10). این نوع ادبیات معمولاً تحت شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سروده‌های ملی و میهنی شکل می‌گیرد (11). می‌توان گفت ادبیات پایداری شامل سروده‌ها و نوشته‌هایی است که موضوع اصلی آنها

زندگی و آثار حسین اسرافیلی

حسین اسرافیلی، در اول اسفند ۱۳۳۱ در تبریز به دنیا آمد و دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای مراغه، تهران و دزفول گذراند و در سال ۱۳۵۲ دیپلم ادبی گرفت. سپس در نیروی هوایی استخدام شد و در آبان ۱۳۵۷ استعفا داد و پس از انقلاب نیز دوباره به کارش ادامه داد تا اینکه در شهریور ۱۳۸۱ بازنشسته گردید. او در دوران نوجوانی به شعر روی آورد و شعرهایش تاکنون به صورت پراکنده در جُنگ‌های ادبی و مجموعه شعر گردآوری شده و انتشار یافته است (۸).

وی از شاعرانی است که در طول سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ در جلسات شعرخوانی حوزه هنری حضوری فعال داشت و «به دفعات مکرر همراه با دیگر شاعران و به منظور شعرخوانی در نقاط مختلف رزم، عازم جبهه‌ها شد» (۱۴). اسرافیلی به غیر از سرودن شعر، در زمینه‌های خطاطی، نقاشی و مجسمه‌سازی نیز فعالیت دارد. وی در طول سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ مسئولیت صفحه ادبی مجله پیام انقلاب را برعهده داشت و از سال ۱۳۷۱ تاکنون عضو شورای شعر نیروهای مسلح بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس است (۱۵).

«حسین اسرافیلی، از روزهای پیروزی انقلاب تاکنون در اکثر همایش‌های سراسری شعر دفاع مقدس و شب‌های شعر دفاع حضوری فعال داشته است. حسین اسرافیلی در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از شاعران برتر دفاع مقدس در دهه‌های ۱۳۶۰-۱۳۷۰ برگزیده شد» (۱۴).

آثار حسین اسرافیلی به شرح ذیل می‌باشند: تولد در میدان (۱۳۶۴)، آتش در خیمه‌ها (۱۳۷۱)، عبور از صاعقه (۱۳۷۶)، مردان آتش‌نهاد (۱۳۷۹)، در سایه ذوالفقار (۱۳۷۲)، کوه‌ها سنگ می‌زایند (۱۳۸۵)، زخم سیب (۱۳۸۵)، رد پای صدا (۱۳۸۱)، مثل آتش که در دل سنگ (۱۳۸۳)، آتش در گلو (۱۳۸۱)، شرحه شرحه آتش (۱۳۸۱)،

دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران می‌باشد. چنان‌که گفته آمد، این نوع از ادبیات در دوره‌های مختلف ادبیات فارسی حضور و نمود یافته است. اما جلوه‌های ادبیات پایداری در دوران معاصر بسیار پررنگ‌تر است؛ به نحوی که آثار تولیدشده در این زمینه در دوران معاصر، از نظر کثرت، کیفیت و اقبال مخاطبان، قابل مقایسه با ادوار پیشین نیست. به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب و پس از آن هشت سال دفاع مقدس، شاعران زیادی در این عرصه طبع‌آزمایی نموده و آثاری فاخر و درخور ارائه کرده‌اند. یکی از شاعرانی که مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شعر پایداری در شعر وی دیده می‌شود، حسین اسرافیلی است.

در قلمرو شعر دفاع مقدس، چند تن از شاعران بیشتر از دیگران نامدار شده‌اند که از آن میان باید از اسرافیلی به عنوان شاعر تمام‌عیار شعر دفاع مقدس نام برد. وی یکی از پرکارترین شاعران ادبیات پایداری است، ولی پرکار بودن مانع توجه او به ساخت ادبی و هنری شعرش نشده است. اسرافیلی چه در این غزل و چه در شعرهای دیگر توانست اوج معرفت و دلدادگی خود را به ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس در پای نهال نوپای خون شهیدان بریزد. «از جمله بن‌مایه‌های پایداری در شعر حسین اسرافیلی عبارتند از: وطن‌گرایی، پاسداشت و تکریم شهیدان، پاسداشت اسوه‌ها و رهبران انقلابی، توصیف شرایط قبل و بعد از انقلاب و ترغیب به مبارزه... اسلوب به کار رفته در اشعار پایداری اسرافیلی، اسلوبی نمادگونه است و شاعر با به‌کارگیری عناصر عرفانی و اساطیری شعر خود را مبهم ساخته است» (۱۲). در نهایت باید گفت شعر اسرافیلی شعری است پرمعنا و مؤثر با فضای روحانی و زبان و بیانی حماسی و صمیمی، شعری که ریشه در فرهنگ و اندیشه غنی اسلامی دارد؛ با تصاویر زیبا و دلنشین و شعری که ایمان و عشق و حماسه در کنار یکدیگر در آن جلوه می‌کند (۱۳).

آینه و سنگ (۱۳۸۶)، صخره و پلنگ (۱۳۸۹)، پیشانی صبح (۱۳۸۹).

شعر و اندیشه حسین اسرافیلی

زبان شعر اسرافیلی تلفیقی از واژگان نو و کهن است؛ «به‌طور کلی نوگرایی در بافت شعر اسرافیلی با واژه‌های کهن درمی‌آمیزد و ماحصل آن شعری می‌شود که پیوندی دیرینه با ادب فارسی دارد، در عین حال، مفاهیم امروزی در شعر او نمود دارد، از سوی دیگر در شعر اسرافیلی واژگان مفاهیم فرهنگ شیعی، جلوه خاصی دارد: در شعر او واژگان مفاهیم اسلامی، واژگان مفاهیم عمودی در ساختار زیبا در کنار هم به کار می‌روند و در فضای کلی شعرهای اسرافیلی، پیوند حماسه و عرفان و حماسه با تغزل را پدید می‌آورد» (۸).

از نظر زبانی می‌توان گفت زبان اسرافیلی، زبانی استوار است که از یک سو با به‌کارگیری واژگان نو و امروزی و ترکیب‌های جدید در پی آن است تا فضای شعر را با فضای امروزی و اکنون پیرامونی‌اش پیوند دهد. از سوی دیگر، به خاطر بهره‌جویی از گنجینه‌های غنی شعرهای کلاسیک فارسی و به‌کارگیری برخی واژگان معمول در سنت شعر فارسی، گریزناپذیر است؛ پس زبانی است ترکیبی. اسرافیلی شاعری حماسه‌سرا است و به‌روشنی می‌توان لحن حماسی و درشتناک جاری در شعرهایش را دید و تشخیص داد.

از میان قالب‌های شعری، چهارپاره و مثنوی، قالب‌هایی هستند که اسرافیلی بیشتر به آنها پرداخته است. چهارپاره‌های اسرافیلی، اشعاری گیرا و تأثیرگذار است که به‌راحتی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند (۸). «اشعار اسرافیلی اگرچه بیشتر در همان قالب‌ها و اوزان رایج در ادبیات کلاسیک سروده شده، اما با توجه به محتوای تازه و بی‌سابقه آن، و سخن‌گفتن از موضوعاتی نو، در واقع شعری نو و منطبق با جامعه زمان خود است» (۱۶).

از منظر ادبی، بیشترین عنصر خیال شعری که اسرافیلی از آن سود جسته، ترکیبات استعاری و تشبیهی است. وی در تصویرسازی شعر خود توجه ویژه‌ای به استعاره دارد و شاید همین ویژگی غزل‌های او سبب شده تا کوتاهی تصاویر، کمک خاصی به ارائه لحن حماسی غزل‌هایش بنماید؛ چرا که اصولاً تصاویر حماسی با تصویری همچون تشبیه که در آن به جزئیات تصویر پرداخته می‌شود، سنخیتی ندارد (۸).

نکته قابل توجه دیگر در شعر اسرافیلی، بهره‌گیری وی از نماد و اسطوره است؛ در شعر اسرافیلی، همچون اکثر شاعران دفاع مقدس، شاهد استفاده نوین از اساطیر و حماسه‌های ملی هستیم. از سوی دیگر، پیوند حماسه و عرفان با تغزل در شعر اسرافیلی، مانند سایر اشعار دفاع مقدس، مهم‌ترین ویژگی فکری او می‌باشد. درون‌مایه عاشورا نیز در ابعاد مختلف در شعر اسرافیلی نمود ویژه‌ای می‌یابد. شهید و شهادت و ستایش فلسطین نیز از دیگر ویژگی‌های شعری او می‌باشد. شعر اسرافیلی شعری است با فضای روحانی خاص که ریشه در فرهنگ غنی اسلامی دارد، به‌طوری که در بین شعرهای دفاع مقدس، شعرهای حسین اسرافیلی از نظر بسامد فراوان مفاهیم اسلامی کاملاً مشخص و متمایزند (۸).

مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در شعر حسین اسرافیلی

در این بخش به مهم‌ترین و برجسته‌ترین مؤلفه‌ها و نمادهای ادب پایداری در شعر اسرافیلی پرداخته می‌شود و نمونه‌هایی از اشعار وی در هر موضوع به‌صورت تیتروار بیان می‌گردد.

ستایش وطن

پایه و مایه اصلی ادبیات پایداری در وطن‌دوستی و ستایش وطن خلاصه می‌شود. وطن‌دوستی در شعر و اندیشه اسرافیلی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. ستایش وطن و توصیف عظمت و بزرگی آن از جمله موتیف‌های اشعار حسین اسرافیلی است: در ابرها خاک سترون آب می‌خواست/از پنجره چشم وطن مهتاب می‌خواست (۱۷)

نکوداشت مقام شهید

شهید به عنوان مظهر رشادت و جان فشانی، جایگاهی ویژه در ذهن و شعر اسرافیلی دارد و از جمله درون مایه های شعر او محسوب می شود:

چشم خونبارتان تبسم داشت / غرقه خون در میانه چرخیدید / جان تان با خدا تکلم داشت / زخم تان رنگی از تبسم داشت (۱۷)

تشویق به مبارزه

اسرافیلی یکی از اهداف شعر خود را ترغیب به مبارزه قرار داده و شعرش وسیله ای است برای تشویق مردم برای دفاع از میهن و مام وطن:

برخیز ای برادر، بانگی دگر درافکن / با خیل پاسداران، لبیک یا خمینی (۱۷)

ستایش رهبران دینی

شخصیت ها و رهبران دینی همواره حضور مؤثری در شعر اسرافیلی دارند و بخشی از اشعارش توصیف رهبری و به ویژه امام خمینی است:

باری / تو را به کدامین دیار عشق / سوی مذبج اخلاص می برند / که دارهای بلند نجابت / از عطر حلاج و میثم آکنده است (۱۷)

نمودهای عرفانی در شعر حسین اسرافیلی

مطابق آنچه گفته شد، حسین اسرافیلی یکی از برجسته ترین شاعران دفاع مقدس است که شعرش در حوزه ادبیات پایداری و مقاومت ایران گنجانده می شود. از سوی دیگر، این شاعر انقلاب، از عناصر و نمادهای عرفانی در شعر خود استفاده نموده و بسیاری از مضامین پایداری را با چاشنی عرفان در هم تنیده است. اگرچه در عصر حاضر، مضامین و مفاهیم عرفان کلاسیک ایرانی، که شاعران گذشته مانند حافظ و مولانا از آن استفاده می کردند، دیگر نمود پیدا نمی کند، اما از آنجا که عرفان جزء جدایی ناپذیر ادبیات فارسی است و شعر، بهترین حوزه برای به نمایش گذاشتن عواطف و افکار درونی شاعر است، می توان جلوه هایی از این مضامین را

در اشعار دوره معاصر و از جمله در شعر حسین اسرافیلی نیز مشاهده کرد. در ادامه به این نمادها و نمودهای عرفانی اشاره می شود.

شهید و شهادت

«صوفیان کشته الهی را شهید می گویند؛ یعنی کسی که در تجلیات و توجهات پروردگار محو و فانی شود، شهید است. شهادت، گواهی دادن به وحدانیت پروردگار و رسالت رسول (ص) است و به سه نوع تقسیم می شود: شهادت مردم عوام، که تقلید محض است؛ شهادت علما، که وابسته به استدلالات و براهین است؛ و شهادت عرفا» (۱۸). ادبیات پایداری با مضمون شهید و شهادت انس گرفته و شهادت به عنوان یکی از مضامین اصلی این نوع شعر لحاظ می شود که همه شاعران این سبک، در این مضمون سخن سرایی کرده اند. حسین اسرافیلی به این مضمون با نگاهی عرفانی نگریسته است:

مضمون چهل حرای خلوت / مضمون نخست در شهادت (۱۷)
پیامبر، قبل از آنکه بخواهند نطفه حضرت زهرا را ببندند، چهل شبانه روز در غار حرا به عبادت پرداختند. از این روست که حضرت زهرا را مضمون و ثمره آن چهل روز می داند و دیگر اینکه، حضرت زهرا، اولین شهید راه ولایت بودند که در دفاع از حق ولایت حضرت علی، به شهادت رسیدند.

یا در بیت زیر، شهادت را حاصل عشق به معبود می داند:
چون به نام عشق ما دفتر زدند / از شهادت مهر خورش بر زدند (۱۷)
اسرافیلی با نگاهی عارفانه به مسئله شهادت نگاه کرده و معتقد است شهادت خودش بهترین رزمندگان وطن را گلچین نموده و آنها را به لقاء الله وصل می کند:

زمان، چون سمند خطر زین کند / شهادت از این باغ گلچین کند (۱۷)

در بیت زیر، شاعر با تلمیح به داستان حضرت صالح (ع)، این گونه بیان می کند که خصم و کینه دشمنان باعث شد که به ایران حمله

کنند و در پی از بین بردن آن برآیند و این شهیدان غلتیده در خون و سرچدا، همانند حضرت یحیی روی دوش مردم در حرکتند: کدام دست بلا، پی کرد، دوباره ناقه صالح را/ که این شهید همان یحیاست، به تشت خون روانش بود (17)

رجا/امید

رجا در لغت به معنی گمان داشتن به وقوع چیزی است که موجب خوشحالی باشد. رجا در اصطلاح تصوف به «تعلق گرفتن قلب به چیزی مرغوب و ممکن، همراه با استفاده از اسباب» تعریف شده است (19). امید به لطف پروردگار که از آن به رجا تعبیر می‌شود، از ویژگی‌های سالک و عارف است که در شعر حسین اسرافیلی هم دیده می‌شود. در شعر زیر، شاعر پیامبر را خطاب و شفیع قرار داده و امید به وساطت وی دارد تا به مقام شهادت برسد: هست امیدی به صف محشرم/ از تو مگر فیض شهادت برم (20) خواب دیدم، روشن و امیدوار/ خواب مردان، خواب تیپ ذوالفقار (20)

شاعر می‌گوید که این خواب، منشأ از همان بیداری است که در خواب و در رؤیای صادق خود، دوباره، آنها را می‌بیند. او در جبهه و در بدترین شرایط جنگی، امیدوار و متوکل به خداوند است هم شهید بشود که مقام بزرگی است و هم اینکه امیدوار است که از جانب دوستان به او کمک برسد.

شوق

شوق یکی از تأملات عارفانه است که در کلام و رفتار سالکان راه دوست دیده می‌شود. عارف همواره شوق و اشتیاق دیدار معشوق را دارد و هیچ‌گاه از این شوق خالی نیست. این مسئله در شعر اسرافیلی هم نمود دارد. یکی از مواردی که شاعر به آن شوق دارد، ظهور مهدی صاحب‌زمان (عج) است. او بر آن است که اگرچه انتظار طولانی شد، ولی این رزمندگان در جنگ تحمیلی به شوق دیدار یار، جسم و جان خود را فدا می‌کنند:

کهن شد انتظار، اما به شوقی تازه، بالافشان/ تمام جسم و جان لب شد که بوسد آستانت را (20) شوق اسماعیل را دارد گلوی عاشقان/ گو بیارد تیغ، ابراهیم از آذر گذشت (20)

شاعر در این بیت، شوق رسیدن رزمندگان عاشق به خدا را به شوق اسماعیل در قربانی شدن تشبیه نموده است و آرزویی که آنان دارند تا گلو و حنجره‌شان بریده شود. این رزمندگان هم مانند ابراهیم، بت‌های زیادی همچون بت نفس، شهوت و... را شکستند. در بیت زیر، شاعر با اشاره به اینکه کسی نمی‌تواند از میدان جنگ به سلامت خارج شود، مدعی است این رزمندگان به شوق دیدار معبود و آگاهی از شهید شدنشان در جبهه‌ها حضور دارند: کس نمی‌آید سلامت از دل میدان برون/ غرق این دریا، ندارد شوق امن ساحلش (20)

انتظار فرج

اندیشه مهدویت و منجی موعود در تصوف، بیش از آنکه آموزه‌ای نبوی و یک باور دینی باشد، آموزه‌ای عرفانی و دارای ابعاد تکوینی، تشریعی و سلوکی است. مهدی، نزد اهل تصوف «ولی» است، و افزون بر این، در میان اولیاء مقام و جایگاه ویژه «ختم ولایت» را دارد. با وجود اختلاف نظری که در میان صوفیان درباره تفسیر این مقام هست، می‌توان بسیاری از ویژگی‌های نوعی و صنفی موعودباوری اهل تصوف را، از همین بابت که او «ولی خاتم» است، به دست آورد. وجود اصطلاحاتی چون خلیفه‌الله، قطب، قطب‌الاقطاب، جام جهان‌نما، غوث اعظم، ولی کامل، خضر راه، پیر کامل و برخی دیگر از این دست تعبیرهای رایج در فرهنگ و زبان عارفان و صوفیان، احیاناً ناظر بر مهدی و مهدویت است (21). اگرچه مهدویت در قرون نخستین در تصوف ظهور ندارد، اما مفهوم خاتم‌الاولیاء که برای اولین بار در آثار حکیم ترمذی مطرح شد، تا اندازه‌ای با مهدویت نزدیکی و پیوند یافت. ابن عربی تحت تأثیر ترمذی در آثار مهم خود، یعنی فصوص‌الحکم و

فتوحات مکیه، به موضوع ختم ولایت پرداخت. با نزدیکی تصوف و تشیع از قرون هشتم به بعد، مفهوم مهدویت در تصوف که حالا بیش از پیش رنگ شیعی به خود گرفته بود، حضور پررنگ‌تری یافت. عارفانی مانند سعدالدین حمویه، سیدحیدر آملی و... در ضمن توجه به بُعد عرفانی مهدویت، دیدگاه‌های تشیع دوازده‌امامی و جایگاه مهدی(ع) به‌عنوان امام دوازدهم را که از نظرها غایب است، نیز در آثارشان مطرح کردند (22).

انتظار فرج به‌عنوان یکی از مضامین عرفانی در اغلب شاعران پایداری، به‌ویژه شاعران دفاع مقدس، دیده می‌شود. اسرافیلی نیز انتظار را در قالب شعر خود چنین ترسیم کرده است که چشمان ما همواره منتظر است تا آن منجی موعود نقاب از صورت زیبایش بردارد:

حاليا، ماییم و چشمنی منتظر/تا برآید مهدی از پشت نقاب (20)

در بیت زیر، اسرافیلی به‌زیبایی از تعبیر متضاد کهن و جوان و شوق و گریه بهره گرفت و با ارائه حسن تعلیلی زیبا می‌گوید ایران، منتظر ظهور امام زمان و منجی است و در این راه، از شوقی که دارد، از داغ فرزندان و رزمندگان گریه و زاری نمی‌کند:

انتظار وطنم از گل نرگس زیباست/که به شوق کهن، از داغ جوان، گریه نکرد (20)

ایثار

یکی دیگر از ویژگی‌ها و مظاهر عرفانی که در شعر اسرافیلی به کار گرفته شده، مفهوم ایثار است. ایثار در شعر پایداری با الهام از فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های رزمندگان در برابر دشمن، معنایی بزرگ و والا به خود گرفته است. در بیت زیر، شاعر با تعبیری زیبا، ایثار و از جان گذاشتن شهیدان را به تصویر می‌کشد و چنین می‌گوید که گاهی رزمندگان آن‌قدر در خون خود می‌غلطیدند و دست و پاهایشان خونین می‌شد که گویی با خون، وضو گرفته‌اند و گاهی تمام جسمشان در خون می‌غلطید و چون خون شهید، پاک است، به خاطر همین است که نیازی به غسل ندارند:

تا به خون، در شط ایثار، وضو ساخته‌اید/جلوه بر قلّه خورشید کند مکتب‌تان (20)

و در بیت:

خواب گردانی که در ایثار بود/غرق خون در «کربلای چهار» بود (20)

شاعر چیزهایی را در خواب می‌بیند که در بیداری آنها را مشاهده کرده است و صحنه‌هایی از ایثار هم‌زمانش را در عملیات کربلای ۴ می‌بیند و به تصویر می‌کشد؛ انسان‌های عارفی که برای جان‌فشانی و ایثار جان‌شان، از هم‌زمانشان سبقت می‌گرفتند.

در ادامه، ابیاتی بیان می‌شود که در آنها مفهوم ایثار آمده است، مانند زخمی شدن، از دست دادن پا، دست و تیر خوردن.

مثل عباس و قاسم و اکبر/زخم بر جسم و جان، نشسته مرا (20)

در این بیت، واقعه عاشورا، الگوی عملی رزمندگان عارف جبهه بود. شاعر در این بیت، زخم بر جسم و پیکر خود را، مانند زخم جسم و جان عباس و قاسم و اکبر می‌داند تا این زخم برایش گوارا باشد.

مرهم زخم‌های خورشید است/بوسه بر خاک کربلای شما (20)

شاعر در اینجا، خاک جبهه را که در آن جوانان بی‌شماری، که گاه در قدم‌به‌قدم آن جوانان شهید شدند، دارای حس و شعور می‌داند و معتقد است مانند داروست و چنان این خاک را با ارزش می‌داند که خورشید بزرگ برای مرهم زخم‌هایش، باید بر آن بوسه بزند.

صبر

صبر نقشی بنیادی در سیر و سلوک دارد و به دلیل همین اهمیت در سیر الی‌الله، صوفیه آن را یکی از مقامات مهم عرفانی می‌دانند. در شرح تعرف آمده است: «و صبر مقامی بزرگ باشد و خدا مصطفی را علیه‌السلام صبر فرمود و گفت اصبروا ما صبرک الّا بالله» (23).

صبر و شکیبایی از خصلت‌های سالک راه حق است که در شعر اسرافیلی هم به آن اشاره رفته است:

خطی از دلدادگان بی‌شکیب/تکیه‌گاه جانیشان امن یجیب (20)
در اینجا شاعر به این موضوع اشاره دارد که وقتی رزمندگان در پشت خط برای عملیات آماده می‌شدند، همچون شیفتگانی بودند که برای رسیدن به خدا، صبر و قرار نداشتند و در شرایط سخت، تنها امیدشان، ذکر «امن یجیب» بود که بر لب داشتند.

عشق

عشق در لغت به معنی از حد درگذشتن در دوستی و شیفته و دیوانه‌شدن از غایت دوستی است. و در اصطلاح متصوفه، عبارت است از جمیع کمالات که در یک ذات وجود دارد و تنها متعلق به حق می‌باشد. «عاقلان! میل طبیعی را عشق گفتن، حیوانی است. خوشه گندم را شجره خلد خواندن شیطانی است، عشق یکی دریای بی‌پایان است، آینه عشق را زنگاری نیست، از آن، آن را با مرد و زن کاری نیست» (18). از منظر عارفان «عشق زیادت در دوستی و آتشی است که در دل عاشق حق تعالی شعله می‌کشد و جز حق را می‌سوزاند. عشق امری الهی و آمدنی است نه آموختنی» (24).

عشق، از طرفه مضامینی است که در شعر بیشتر شاعران دیده شده است. به‌ویژه این مضمون در ادبیات پایداری نمود یافته است و عشق به معبود، نمونه بارز آن در شعر شاعران این سبک است. در شعر حسین اسرافیلی نیز به این گونه عشق الهی توجه شده است: عصمت عشقی که از او پا گرفت/پای جنون دامن صحرا گرفت (20)

عشق به خداوند، عشق پاک و نابی است که در حرکات دیوانه‌وار سبزه‌ها و درخت‌ها، در صحرا وجود دارد.

شاعر با تلمیح به داستان لیلی و مجنون، بر آن است هنگامی که بساط عشق مهیا گردید، گفتند که دیوانگی، رسوایی به همراه دارد: خیمه چو از عشق، به هامون زدند/طبل به رسوایی مجنون زدند (20)

شاعر عقل و عشق را در تقابل می‌داند و در مقایسه بین عقل و عشق، نهیب‌هایی که از عشق برمی‌آید را در جواب نهیب‌های عقل چنین بیان کرده است:

نهیب عشق که: مرگ از غسل گواراتر/در میان بلا، پور مرتضی، تنهاست

نهیب عشق که: میدان امتحان اینجاست/ذلت است و شرف، باید انتخاب کنیم

نهیب عشق که: در بازی جنون و خطر/مجال شرط و چرا، و دلیل و اما نیست (20)

اسرافیلی برای عشق حرمت و تقدس قائل است و دشمن متجاوز را حرامی ناپاک می‌داند که باید در مقابل او ایستاد و از کشور ایران، که ساحت و درگاه عشق و پاکی است، محافظت کرد:

در هجوم حرامیان پلید/ساحت عشق را نگهبان باش (20)

و در بیت:

زیر باران تیغ و نیزه و تیر/حرمت عشق، پاس داشته‌اید (20)

به زعم شاعر، عاشق مدعی همه‌جا پیدا می‌شود، اما عاشق واقعی آن است که در میدان عمل و در شرایط سخت و در هجوم تیغ و تیر و ترکش، به عشق خود وفادار باشد و از حرمت و ارزش عشق خود دفاع کند.

به زعم شاعر، عشق با خون همراه است و اگر عاشق باشی، برای رسیدن به این عشق، باید جان را فدا کنی و اگر این جبهه بوی عاشورا می‌دهد، برای این است که جوان‌هایش، امام حسین و عاشورا را الگوی خود قرار داده‌اند:

بوی خون می‌آید از این عشق پاک/عطر عاشورا است اینجا عطر خاک (20)

چه گفته‌ای به مناجات سرخ، با لب عشق؟/که در تمامت هفت آسمان غوغاست (20)

شاعر خطاب به رزمنده می‌کند و از او سؤال می‌پرسد: که در مناجات پرسوز خود، چه چیزهایی به خداوند گفته است که در همه هفت آسمان، شور و غوغاست.

شاعر شهادت در راه عشق را عین بقا می‌داند و بر آن است که اگر عاشق باشی، کشته‌شدن و حتی سوختن و خاکستر شدن جسم، راه بقای توست. همانند پروانه، که همه سعی خود را می‌کند تا به آتش برسد:

در طریق عشق، خاکستر شدن عین بقاست/سعی پروانه است اگر در آتش افتد منزلش (20)

اولین مرحله عشق و جنون سوختن است/نفس گرم ندیدم در این کار تو را (20)

در این بیت، شاعر بیان می‌کند که اولین مرحله عشق و جنون، سوختن و فدا کردن جان و شهید شدن است و شاعر دل خود را مخاطب قرار داده و معتقد است او هنوز عشق را درک نکرده است.

می و مستی

الفاظ و اصطلاحات عرفانی و صوفیانه و به‌خصوص رمزهای مربوط به میکده همچون: می، ساغر، ساقی، جام، شراب و... در شعر حسین اسرافیلی بسیار است. از واژگانی که در ادب عرفانی مورد استفاده بسیار واقع شده و معنایی نمادین دارد، مستی، شراب و می و... است که اسرافیلی نیز از این واژگان در شعر خود بهره گرفته است که در ادامه به نمونه‌هایی از این اشعار اشاره می‌کنیم: خوشا آنکه مستی به جامش کنند/ملایک ز جنت سلامش کنند

(17)

شاعر معتقد است آنان که مست جام معشوق‌اند، قطعاً به بهشت راه خواهند یافت.

به دُردی‌کشانی که هر روز و شب/نکردند جز جام مستی طلب به مستان و میخوارگان الست/صراحی به دستان شوریده‌مست

(25)

از نظر شاعر، عاشقان حقیقی همیشه مست طلب حقیقت معشوق‌اند و به همین مستی راضی‌اند؛ زیرا معشوق برایشان کافی است.

چو از خویش رفتند بازآمدند/به میخانه حق فراز آمدند (20)

عاشقان سرمست از وجود محبوب، همه‌چیز خود را فدا می‌کنند تا سبک‌بار به محضر حق شرفیاب شوند.

به میخانه راز روی آورند/ز ساقی مگر آبروی آورند (25)

مقصود شاعر از میخانه، بارگاه خداوند است و کسانی که مست این میخانه هستند، آبرو و اعتبارشان را از خداوند دریافت می‌کنند. چو می جوش زد در دل جامشان/پر از نور شد باده با نامشان (20)

زمانی که می عشق الهی در دل سالک به جوش آمد، آنگاه به انوار الهی متجلی می‌گردد.

فدای گردش دست که دور ما چو رسید/چنان بریز که می تا سماء کشاندامان (17)

جنون

بیداری نتیجه عقل است و جنون حالتی است که عقل را از توانایی ظاهری آن بازمی‌دارد؛ لذا بیداری و هوشیاری انسان را از وی می‌گیرد تا دردهایش، هرچند کوتاه‌مدت، آرام گیرد. مولانا گاهی جنون را طیب درد بی‌درمان می‌داند:

طیب درد بی‌درمان کدام است؟/رفیق راه بی‌پایان کدام است؟ اگر عقل است پس دیوانگی چیست؟/اگر جان است پس جانان کدام است؟ (26)

جنون یکی از مراحل سلوک است که بر سر راه سالک و عارف قرار دارد. این مضمون نیز در شعر حسین اسرافیلی نمونه‌هایی دارد:

دلی عاشق و با جنون همصدا/به صحرا و آوارگی آشنا
بلاجویی احساس دیرین او/جنون اولین گام آیین او (25)

در اینجا شاعر مدعی است که جنون و بی‌باکی و نهراسیدن از مشکلات راه معشوق، اولین مرحله رسیدن به اوست.

راه این عشق و جنون پرخطر/ دارد از دریاچه‌های خون گذر (25)
این بیت تأکید بر این دارد که لازمه عشق، جان‌فشانی در راه محبوب است.

در پایان باید گفت حسین اسرافیلی همانند بیشتر شاعران پایداری، با تأسی از مضامین دینی، بسیاری از نمادها و نموده‌های عرفانی را در شعر خود پیاده کرده و از آنها در راستای تحقق اهداف پایداری بهره گرفته است.

نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری و شعر مقاومت همچون دیگر گونه‌های ادبی، در ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و نمونه‌های متعددی از حضور این نوع ادبی را در ادوار مختلف شعر فارسی می‌توان دید. ادبیات پایداری که به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم ادبیات فارسی در دوره‌های مختلف در عرصه ادبی ایران حضور و نمود داشته، در ادبیات معاصر فارسی رنگ و جلوه‌ای دگرگونه یافت. این مقوله ادبی، در دوره معاصر، هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی به بلوغ و تکاملی عظیم دست یافت. ادبیات معاصر ایران، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سپس ۸ سال دفاع مقدس، دستخوش تغییرات عمده‌ای در ساختار فکری و زبانی خود گردید که از جمله آن می‌توان به تغییر چارچوب شعر پایداری و بروز و نمود اندیشه‌های دفاع مقدس اشاره نمود. در این بین، شاعران و نویسندگان زیادی در حیطه ادبیات فارسی به انتشار آثار پرداختند که از جمله آنها می‌توان حسین اسرافیلی را نام برد. وی که از symbolic language, metaphysical insight, ethical refinement, and spiritual depth, allowing poets to transform personal emotion and historical experience into elevated aesthetic and conceptual structures. At the same time, resistance literature has emerged as one of the most purposeful and socially committed branches of Persian literary production, especially in periods marked by

برجسته‌ترین شاعران دفاع مقدس محسوب می‌شود، پنجره‌ای جدید در ادبیات پایداری گشود و مضامین مختلفی همچون: دفاع مقدس، وطن‌پرستی، شهادت، مبارزه، ستایش و اطاعت از رهبری، ظلم‌ستیزی و... را در شعر خود بیان نموده است. اما ویژگی مهم شعر اسرافیلی آن است که وی در کنار بیان مضامین پایداری، مضامین و عناصر عارفانه را به درون شعر خود راه داده و از آنها در جهت ارتقای شعر مقاومت بهره برده است؛ بسیاری از نمادها و نموده‌های عرفانی در جای‌جای شعر اسرافیلی قابل مشاهده است. از جمله این مضامین عرفانی می‌توان به: شهید و شهادت، صبر، جنون، می و مستی، عشق، ایثار، انتظار منجی و شوق و امید و رجا و... اشاره کرد. شاعر از طریق ایجاد پیوند بین اندیشه پایداری با نمادها و مضامین عرفانی، بسیاری از بیدارگری‌ها، پیام‌های تهییجی، ستایش‌ها و آرمان‌خواهی‌های سیاسی خود را به مخاطب انتقال داده است. اسرافیلی با تکیه بر ارزش‌های والای دینی و مذهبی و با ایجاد پیوند بین مضامین عرفانی و ملی و مقاومت، توانست سهم بزرگی در بیداری ملت ایفا نماید و خود را به‌عنوان یکی از شاعران مطرح در حوزه شعر پایداری معرفی کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Mysticism has long constituted one of the most significant semantic and intellectual foundations of Persian poetry, and its presence in Persian literary history has shaped not only classical poetic imagination but also many forms of contemporary poetic expression. In Persian literature, mystical thought has functioned as a source of

political upheaval, foreign aggression, social oppression, and collective struggle. Resistance poetry does not merely seek artistic pleasure; rather, it attempts to awaken collective consciousness, strengthen the will to endure, expose oppression, honor sacrifice, and encourage moral steadfastness against destructive forces (2, 6). In contemporary Iranian literature, particularly after the Islamic Revolution and the Iran–Iraq War, the interaction between mystical discourse and resistance poetry became especially prominent. Sacred Defense poetry drew on religious, national, epic, and mystical resources to represent martyrdom, sacrifice, devotion, patience, hope, and longing for divine proximity. Within this literary-historical context, Hossein Esrafilī occupies a distinguished position as one of the representative poets of Sacred Defense poetry. His poems combine revolutionary commitment, patriotic sentiment, Shiite symbolism, epic tone, and mystical imagery, producing a poetic world in which resistance is not only a political or military act but also a form of spiritual wayfaring (8, 15, 27).

The present study investigates the relationship between mysticism and resistance in the poetry of Hossein Esrafilī, with special attention to the mystical symbols and concepts embedded in his resistance-oriented poems. The central problem of the study is that although many scholars have examined Sacred Defense literature, resistance motifs, and the stylistic features of Esrafilī's poetry,

the specific interconnection between mystical semantics and resistance discourse in his works has not been sufficiently analyzed. Previous studies have examined mystical themes in Sacred Defense poetry, the aesthetic use of mystical elements in war poetry, religious and mystical foundations in contemporary ceremonial poetry, and mystical-religious symbols in resistance poetry (28-31). Other studies have focused on Esrafilī's poetic style, his use of social motifs, his representation of Palestinian resistance, the fusion of epic and ghazal in his poetry, and the culture of jihad and martyrdom in his metaphorical language (13, 27, 32-34). However, this study seeks to show that in Esrafilī's poetic system, mystical concepts are not merely decorative or inherited literary conventions; rather, they become structural components through which the experience of war, martyrdom, national defense, and revolutionary commitment is interpreted as a sacred and transcendent struggle.

The study employs a descriptive-analytical method and relies on library-based data collection. The selected poems of Hossein Esrafilī are examined in relation to the conceptual fields of Persian mysticism and resistance literature. The analysis first establishes the theoretical background of resistance literature, defining it as a committed and socially engaged literary form that arises in response to threats against collective dignity, freedom, identity, homeland, and moral order (4, 9). It then situates Esrafilī within

the tradition of Sacred Defense poetry, noting that his work is marked by religious diction, epic intensity, symbolic density, revolutionary devotion, and a fusion of mystical and heroic expression (8, 13). The study also draws on classical and modern sources on mystical terminology in order to clarify the meanings of concepts such as martyrdom, hope, longing, patience, love, intoxication, and spiritual madness (18, 23, 24). Through close reading, the article identifies the ways in which Esrafilī adapts these concepts to the semantic world of war and resistance. In this framework, the battlefield becomes a symbolic space of spiritual trial, the martyr becomes a realized mystic, sacrifice becomes a form of self-annihilation before God, and resistance becomes a path toward spiritual elevation.

The findings show that martyrdom is one of the most central mystical-resistance motifs in Esrafilī's poetry. In mystical discourse, the martyr may be understood as one who is annihilated in divine manifestation and whose death signifies presence before the Truth rather than mere physical extinction (18). Esrafilī uses this semantic field to represent the martyrs of the Sacred Defense as chosen figures whose blood seals the covenant of love and whose death opens the path to divine encounter. Similarly, hope and longing appear as key spiritual emotions in his poetry. Hope, or *raja*, is associated with trust in divine grace and expectation of spiritual fulfillment (19); in Esrafilī's poems, this hope is directed toward intercession, martyrdom, victory, and reunion

with God. Longing is also connected with the anticipation of the promised savior and the desire for divine proximity. The motif of waiting for deliverance, especially in relation to Mahdism, occupies an important position in the mystical imagination of Shiite and Sufi traditions, where the promised savior may be associated with concepts such as perfect sainthood, guidance, and the ultimate restoration of justice (21, 22). Esrafilī integrates this expectation with the experience of national suffering and collective resistance, presenting the homeland as a wounded yet hopeful entity awaiting renewal, justice, and spiritual liberation.

Another major finding is that Esrafilī repeatedly links resistance with sacrifice, patience, love, intoxication, and madness, thereby transforming the vocabulary of war into the language of spiritual wayfaring. Sacrifice in his poetry is not simply a military virtue; it is an existential and mystical act through which the fighter transcends self-interest and offers body and soul to a higher truth. Patience, which occupies a fundamental place in the stages of mystical discipline, is also presented as a necessary quality of the combatant who endures hardship, danger, and separation with reliance on God (23). Love is perhaps the most expansive of these concepts. In Sufi thought, love is not ordinary affection but an overwhelming divine force that burns away all that is other than the Beloved (18, 24). Esrafilī places this understanding of love at the center of battlefield experience: the true fighter is one

who guards the sanctity of love under the rain of swords, bullets, and spears. His use of wine, intoxication, tavern, cup, and cupbearer also belongs to the symbolic lexicon of Persian mysticism, but in his poetry these symbols are redirected toward martyrdom, self-loss, and entrance into the divine court. Finally, madness functions as the opposite of ordinary calculation; it signifies the state in which the lover abandons rational hesitation and accepts danger, blood, and annihilation in the path of the Beloved (26). Thus, Esrafil's resistance poetry presents the fighter not merely as a soldier but as a lover, wayfarer, ecstatic, and witness.

In conclusion, the poetry of Hossein Esrafil demonstrates a meaningful and aesthetically powerful fusion of mysticism and resistance. His work shows that Sacred Defense poetry is not limited to documentary representation, patriotic exhortation, or political commitment; it can also transform historical conflict into a symbolic and spiritual drama. In his poems, martyrdom, sacrifice, patience, hope, longing, love, intoxication, and madness operate as interconnected concepts that elevate resistance from a material struggle into a sacred journey. Through this synthesis, Esrafil gives spiritual depth to the experience of war and grants mystical resonance to the ideals of homeland, revolution, faith, and collective endurance. The article concludes that Esrafil's poetic achievement lies in his ability to combine national, religious, epic, and mystical elements in a unified poetic language, thereby

creating a form of resistance poetry that is both socially committed and spiritually transcendent.

References

1. Nademi SA. Indigenization of War Studies in Literature. In: Foroughi Jahromi MG, editor. *Studies in Sacred Defense Literature*. 1. Tehran: Foundation for the Preservation of Works and Publication of Sacred Defense Values; 2010.
2. Kafi G. Common Characteristics of Resistance Poetry in Iranian and World Literature. In: Foroughi Jahromi MG, editor. *Studies in Sacred Defense Literature*. 1. Tehran: Foundation for the Preservation of Works and Publication of Sacred Defense Values; 2010.
3. Baghi Nejad A. Manifestations of Protest and Resistance in the Poetry of Shafi'i Kadkani. *Biannual Journal of Sacred Defense Literature*. 2016(1):1-15.
4. Mohseni Nia N. Foundations of Contemporary Resistance Literature in Iran and the Arab World. *Resistance Literature*. 2009;1(1):143-58.
5. Sahraei G, Golshani S. The Passion of Liberation in the Pre-Revolutionary Poetry of Shafi'i Kadkani. *Journal of Lyrical Literature Research*. 2009;7(12):73-104.
6. Chehraghani R. Resistance Literature in Iran: Reconsidering Components, Opportunities, and Challenges. *Contemporary Persian Literature*. 2017;7(2):1-33.
7. Roozbeh MR. The Evolution of the Persian Ghazal from the Constitutional Era to the Revolution. Tehran: Roozaneh; 2002.
8. Shirshahi A. Resistance Poetry and Sacred Defense. Tehran: Center for the Documents of the Islamic Revolution; 2012.
9. Basiri MS. An Analytical Course of Resistance Poetry in Persian Literature. Kerman: Shahid Bahonar University; 2009.
10. Rastgar Fasaee M. Types of Persian Poetry. Shiraz: Navid; 1993.
11. Sangari MR. Resistance Literature. *Adab-e Paydari*. 2004;12(39):1-9.
12. Jahani MT, Nourmohammad Nehal Z. An Inquiry into the Foundations of Resistance Literature in the Poetry of Palestine and Iran. *Resistance Literature*. 2017(17):87-106.
13. Ebrahimi Tuchaei F, Hasanzadeh Mirali A. The Interconnection of Epic and Ghazal in the Poetry of the Islamic Revolution and Sacred Defense with Emphasis on the Ghazals

- of Hossein Esrafil. Resistance Literature. 2016(15):31-58.
14. Beigi Habibabadi P. Everlasting Epics. Tehran: Farhang Gostar; 2003.
15. Sangari MR. Criticism and Analysis of Sacred Defense Verse Literature. Tehran: Palizan; 2001.
16. Pouladi H, Aligholizadeh H, editors. Structural and Rhetorical Analysis of Three Poetry Collections of Hossein Esrafil as a Poet of the Sacred Defense. International Congress on Religious Culture and Thought.
17. Esrafil H. Birth in the Battlefield. Tehran: Art Bureau of the Islamic Propagation Organization; 1985.
18. Goharin SS. Explanation of Sufi Terminology. Tehran: Zovvar; 2004.
19. Ansari KA, Abbasi P. Manazel al-Sa'erin. Abbasi P, editor. Tehran: Nashr-e Elm; 2014.
20. Esrafil H. Men of Fire-Nature: Congress of the Martyred Commanders of the IRGC and the 16,000 Martyrs of Karbala of Khuzestan; 2000.
21. Nasiri M. A Typology of the Thought of the Promised Savior in the Quran and Islamic Sufism. Typology of the Thought of the Promised Savior. Qom: University of Religions and Denominations; 2009.
22. Esfandiar M, Rahman F. A Brief Survey of the Historical Development of Mahdism in Sufism. Mystical and Mythological Literature. 2012;8(28):1-18.
23. Mostamli Bukhari AEEiM. Sharh al-Ta'arruf li-Madhhab al-Tasawwuf. Roshan M, editor. Tehran: Asatir; 1986.
24. Nasafi Aa-DM. Insan-e Kamel. Tehran: Tahouri; 2005.
25. Esrafil H. Passing Through Lightning. Tehran: Congress for the Commemoration of the Martyred Commanders of Tehran Province; 1997.
26. Molavi Ja-DM. Kolliyat-e Divan-e Shams. Homaei Ja-D, editor. Tehran: Safi Ali Shah; 1992.
27. Aligholizadeh H. The Culture of Jihad and Martyrdom in the Metaphorical Language of the Poet of the Islamic Revolution, Hossein Esrafil. Cultural Protection of the Islamic Revolution. 2016(13):101-28.
28. Sharifpour E, Movahedi N. A Study of Mystical Themes in Sacred Defense Poetry. Resistance Literature. 2009;1(1):89-111.
29. Mohammadi J, Moshfeghi A, Hajjaji A. Aesthetics of the Use of Mystical Elements in Sacred Defense Poetry. Islamic Mysticism. 2020;16(63):310-32.
30. Sobhani B, Taslimi S, Fallah A. Religious and Mystical Foundations at the Intellectual Level of Ceremonial Poetry: Qazveh, Sabzevari, and Herati. Islamic Mysticism. 2023;19(76):309-29.
31. Rasoulia S, Mobasheri M. A Study of Mystical and Religious Symbols and Their Influence on Resistance Poetry. Mystical Themes in Persian Literature. 2016;8(30):128-55.
32. Hashemi SM, Sharifi Valadani G, Karami Chameh Y. A Stylistic Study of the Poetry of Hossein Esrafil: The Collection Birth in the Battlefield. Stylistics of Poetry and Prose. 2014;9(24):323-44.
33. Avartin Zadeh B, Mostafavi Nia SMR. The Influence of Literary Elements on the Expression of Social Motifs: A Comparative Study of the Poetry of Ahmad Matar and Hossein Esrafil Based on the American School. Journal of Language Teaching, Literature and Linguistics. 2019(215):104-24.
34. Haj Babaei MR, Moradi S. The Palestinian Resistance in the Poetry of Mahmoud Darwish and Hossein Esrafil. Resistance Literature. 2017(17):107-32.